

علم أصول الفقه

٥٤

٩٣-١١-٢١ ظهور

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا

- وَ جَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (٢٠)
- اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ (٢١)

مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا

• فَمَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ (يونس):

(٧٢)

• قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ

(سبأ : ٤٧)

• قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى

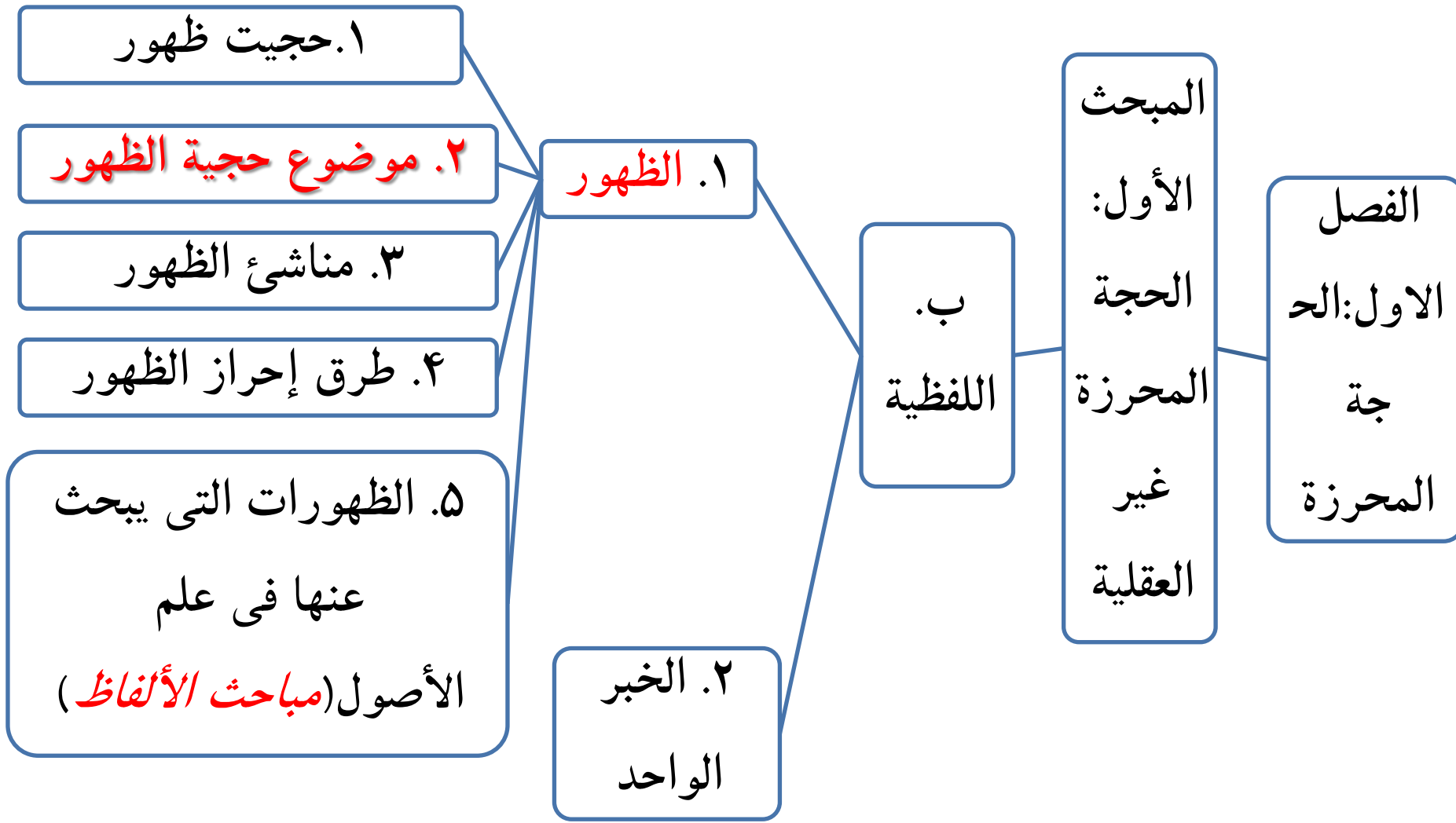
رَبِّهِ سَبِيلًا (الفرقان ٥٧)

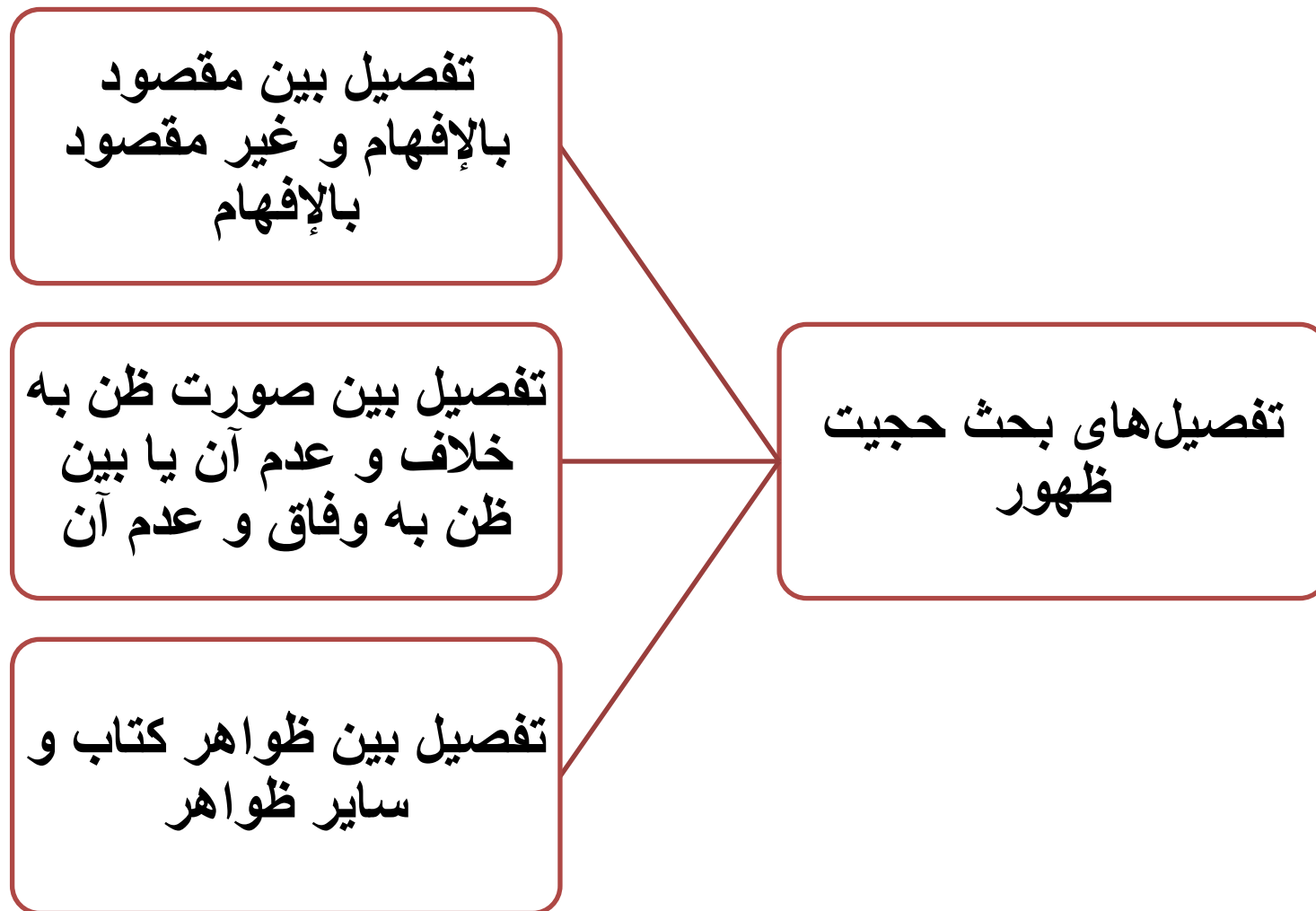
مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا

- وَ مَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (٢٢)
- أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُون (٢٣)
- إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (٢٤)
- إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ (٢٥)

مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا

- قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (٢٦)
- بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ (٢٧)
- وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُندٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا كُنَّا مُنْزِلِينَ (٢٨)
- إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ (٢٩)
- يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ (٣٠)





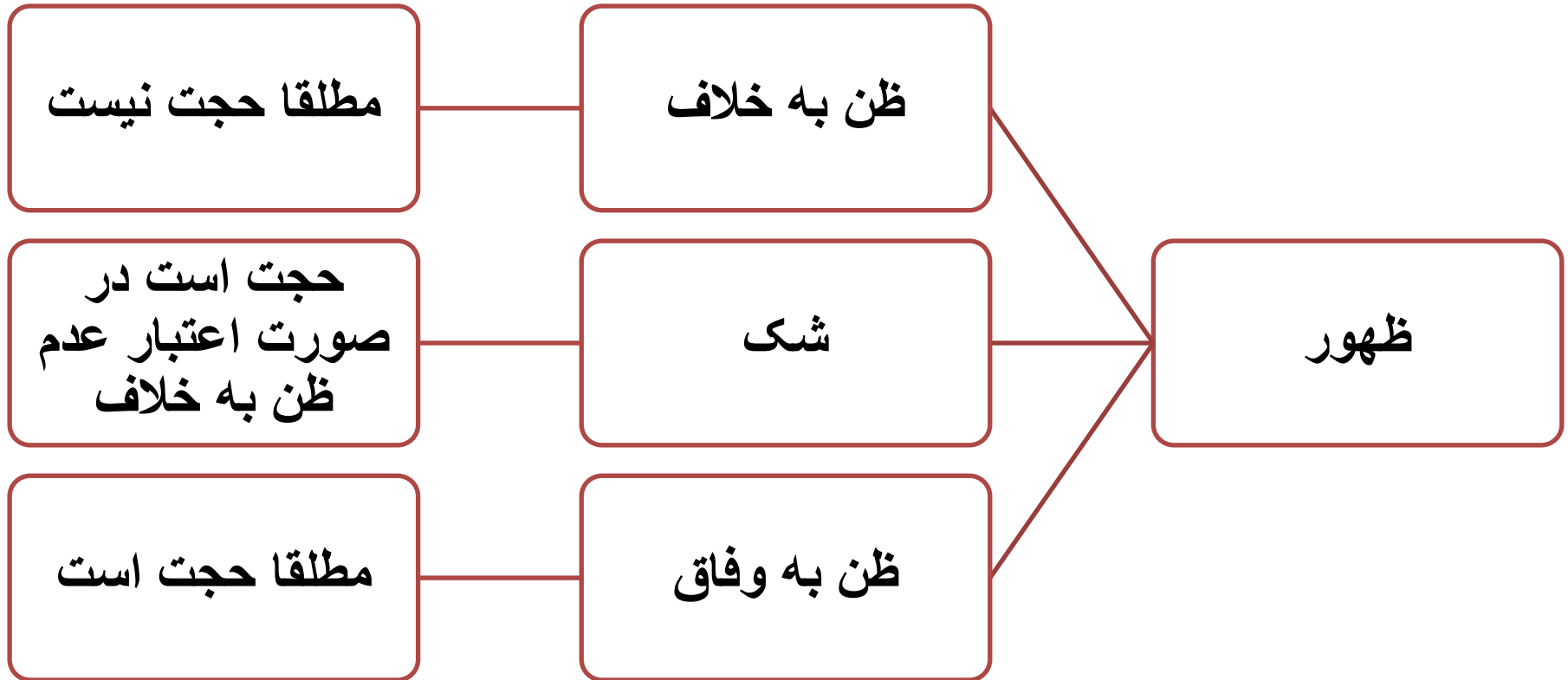
تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- ۲. تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن
- گفته‌اند ظهور مادامی حجت است که ظن به خلافش وجود نداشته نباشد. بعضی، از این هم بالاتر گفته‌اند که ظهور وقتی حجت است که ظن به وفاقش باشد.
- این ظن به خلاف که در اینجا می‌گوییم، اطمینان یا یقین نیست. واقعاً ظن است؛ یعنی احتمال قوی‌تر بدهیم مسلم است که اگر ظهوری باشد و ما اطمینان یا یقین به خلافش داشته باشیم، حجت نیست.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- برای مثال اگر کسی وارد کلاس شود و بگوید آقای فلانی پدر شما کنار درب مدرسه منتظر شما است و به من گفته است که به شما بگویم.
- در اینجا سه فرض وجود دارد: یک فرض این است که شما منتظر بودی پدرت امروز برسد و چون او می‌دانست که شما در اینجا درس می‌خوانی، توقع داشتی که به مدرسه بیاید. پس الآن که این شخص این خبر را به شما رسانده است، ظن پیدا می‌کند که پدر شما کنار درب مدرسه است. در حقیقت ظن موافق با ظاهر کلام خبردهنده داری. و فرض دوم عکس فرض اول است؛ یعنی پدرتان در شهر دوری است و بنا هم نبوده است که به دیدن شما بیاید و اهل مسافرت هم نیست و مریض نیز است. در این صورت اگر کسی به شما بگوید فلانی، پدر شما جلوی درب منتظر شما است، به طور طبیعی به خلاف مفاد کلامش ظن دارید. فرض سوم آن است که شما نه ظن دارید که پدر شما کنار درب مدرسه است و نه ظن به خلافش دارید. سؤال در بحث ما این است که آیا ظهور کلام آن فرد در همه این حالات حجت است یا فقط در صورتی که ظن به وفاق داشتیم یا فقط در فرضی که ظن به خلاف نداشته باشیم.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن



تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- فرق این دو نظر این است که اگر ظن به خلاف مانع حجیت باشد، ظهور چه در حالت عدم ظن و چه در حالت ظن به وفاق حجیت است و اگر ظن به وفاق شرط حجیت باشد، ظهور در حالت ظن به خلاف و حالت عدم ظن حجیت نیست.
- پس اختلاف این دو نظر در حالت عدم ظن است. این دو تفصیل در حجیت ظهور، در مقابل نظر اول است که می‌گوید ظهور مطلقاً حجیت است.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- گفته‌اند دلیل بر تفصیل بین ظن به خلاف و عدم آن، بناء عقلا است. بناء عقلا در جایی که ظن به خلاف دارند این است که اعتنا نمی‌کنند و ظهور را حجت نمی‌دانند.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- البته اینکه می‌گوییم ظهور مطلقاً حجت است یک حالت تخصصاً از حجیت خارج است و آن در جایی است که ما به خلافش یقین داریم؛ چون حجیت جزء احکام ظاهری است و در فرض عدم علم معنادار است.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

• پاسخ شهید صدر رضوان الله علیه به تفصیل دوم

• میرزای نائینی رضوان الله علیه در مقام توضیح این مطلب فرموده است که عقلا به ظاهری که ظن به خلاف آن دارند، در امور شخصی عمل نمی‌کنند؛ اما در وادی مولویت حتی اگر ظن به خلاف هم داشته باشند، آن ظاهر را حجت می‌دانند.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- شهید صدر رضوان الله علیه با الهام از این عبارت میرزای نائینی رضوان الله علیه اصل این مطلب را می پذیرد که عقلا بین موردی که ظن به خلاف هست و جایی که ظن به خلاف نیست، فرق می گذارند، با این حال می گوید این باعث تفصیل در حجیت ظهور نمی شود؛ یعنی در عین حال که دلیل مدعی را می پذیرد، مدعی را نمی پذیرد!

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- این پاسخ وی برمی‌گردد به بحثی که ابتدای مباحث حجیت ظهور داشتیم. ایشان در توضیح بنای عقلا بر حجیت ظهور، بین ظهور مربوط به امور تکوینی و ظهور در حوزه امور مولوی (روابط بین عبید و موالی) فرق گذاشتند و معتقد بودند که حجیت در وادی تکوینیات اصلاً معنا ندارد حتی در وادی تشریعیاتی که خارج از روابط و موالی باشد، هم معنا ندارد.

سیره عقلا در باب ظواهر

خصوص
امور تکوینی

حوزه امور
تشریحی

سیره عقلا

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- مصداق بارز حجیت عقلایی در روابط عبید و موالی است نظیر اینکه رئیسی که از نظر عقلا ریاست دارد، مطلبی را بگوید. ظاهر کلامش برای مرئوسین حجت است و اگر مرئوسین به این تکلیفی که ظاهر کلام رئیس است، عمل نکنند، وی می‌تواند به این ظاهر علیه آنها احتجاج کند و اگر مرئوسین به تکلیفی که ظاهر کلام رئیس است، عمل کنند و بعد معلوم شود که اشتباه کرده‌اند و تکلیف رئیس در واقع این نبوده‌است، این‌ها می‌توانند با این ظاهر به نفع خودشان احتجاج کنند.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- در حقیقت ایشان حجیت را به معنای منجزیت و معذرت گرفت و این دو در جایی معنا دارد که تکلیفی باشد و تکلیف فقط در جایی است که رئیس و مرئوسی یا عبید و موالی باشند.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- شهید صدر رضوان الله علیه می فرماید اینکه عقلاً در صورتی که ظن به خلاف ظاهر داشته باشند به مفاد آن ظاهر اعتنا نمی کنند، در غیر دایرة روابط عبید و موالی است؛ یعنی همان جایی که اصلاً حجیت معنا ندارد؛ اما در دایرة روابط عبید و موالی اعتنا می کند.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- بنابراین اگر کسی به شما خبر دهد که پدرتان جلوی درب منتظر شما است و شما ظن به خلافش دارید، عقلا به این ظاهر اعتنا نمی‌کنند؛ چون این خبر، خبر از تکلیف رئیس نیست؛ اما اگر به شما می‌گفت رئیس تو گفته است فلان کار را باید انجام بدهی و شما ظن داشتی که ریاستان از این چیزها نمی‌گویند، عقلا با وجود چنین ظنی به این ظاهر اعتنا می‌کنند.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- ایشان توضیح می دهند که چرا عقلا دوگانه عمل می کنند. می فرمایند در جایی که امر شخصی باشد، معیار عقلا، فهم و قضاوت شخصی است؛ چون برای آن شخص مانعی از اخذ به ظاهر پیدا شده است که همان ظن به خلاف است و این امر هم یک امر شخصی و مربوط به خود او است؛ اما در دایرة مولویت از آنجا که مولویت امری مربوط به مولا است، معیار شخص و قضاوت شخصی نیست، بلکه معیار نوع و قضاوت نوعی است و این ظاهر کلام مولا برای همه افراد حجت است؛ هر چند شخصی در این میان ظن به خلاف آن داشته باشد و قضاوت این شخص اعتباری ندارد.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

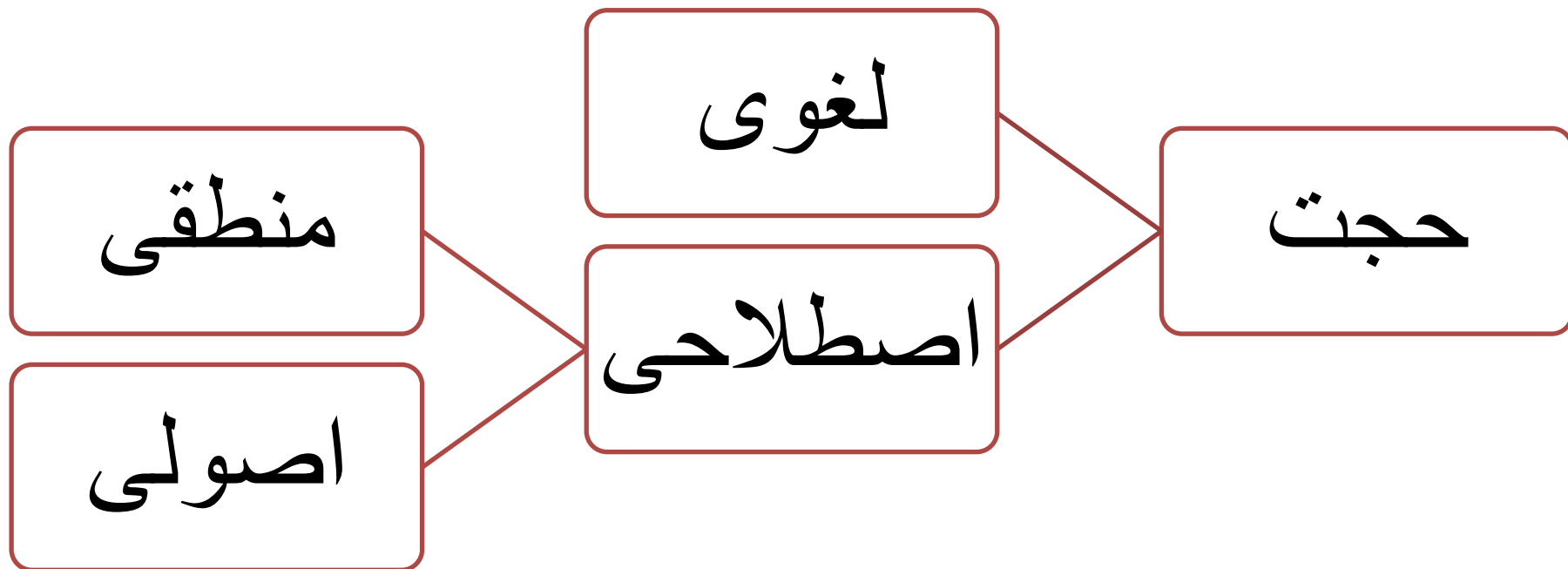
- وقتی مولا این خطاب را القا می‌کند که «همسایگان من را اکرام کنید»، ظاهرش این است که می‌خواهد همه همسایگانش اکرام شوند. این ظهور برای نوع افراد که مخاطب به این ظهور هستند، حجت است؛ هرچند شخصی در میان کسانی که جزء عبید این مولا هستند، برخلاف این ظاهر، ظن داشته باشد که مقصود مولا همه همسایگان نیست. در اینجا چون این خطاب از ناحیه مولا است، معیارش قضاوت نوع است نه قضاوت شخص.

تفصيل بين صورت ظن به خلاف و عدم آن يا بين ظن به وفاق و عدم آن

- بحوث في علم الأصول (تقرير: عبد الساتر)، ج ٩، ص ٣٣٦.

تفصيل بين صورت ظن به خلاف و عدم آن يا بين ظن به وفاق و عدم آن

- بحوث في علم الأصول، ج ٤، ص ٢٧٥؛ بحوث في علم الأصول (عبد الساتر)، ج ٩، ص ٣٣٦.
- بحوث في علم الأصول (عبد الساتر)، ج ٩، ص ٣٣٧ - ٣٣٩.



تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- نقد پاسخ شهید صدر رضوان الله عليه
- این بیان، یک اشکال مبنایی دارد که قبلاً بیان شد و یک اشکال بنایی:
- اشکال مبنایی

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- طبق مبنای شهید صدر رضوان الله علیه حجیت ظهور به روابط عبید و موالی اختصاص دارد و اصلاً حجیت در خارج از دایرة مولویت معنادار نیست؛ زیرا حجیت یک حکم ظاهری است و مفادش عبارت است از منجزیت و معذرت و فقط در جایی معنا دارد که تکلیف باشد و تکلیف هم فقط در جایی معنا دارد که مولویتی باشد. ما این مبنا را نمی پذیریم.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- اشکال بنایی
- بر فرض پذیرش این مبنا ایشان فرمودند ظهوری که به خلافش ظن هست، در روابط عبید و موالی حجت است؛ چون معیار در عبید و موالی ظهور نوعی است نه ظهور شخصی.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- اینجا اشکال می شود که اگر این ظن به خلاف، نوعی بود، چه می گوئید؟ یعنی الآن یکی از عبید ظن دارد که مولا مقصودش همه همسایگان نیست.
- بعد این ظن توسعه پیدا کند و آدم هایی که با این مولا آشنا هستند مثل این عبد با توجه با روحیات این مولا ظن پیدا کنند که مراد از «اکرم جیرانی» اکرام همه همسایگان نیست. اگر این طور بود چه خواهید گفت؟ این ظن به خلاف دیگر شخصی نیست.

تفصیل بین صورت ظن به خلاف و عدم آن یا بین ظن به وفاق و عدم آن

- در واقع شهید صدر رضوان الله علیه با این بیانش روح اشکال را پذیرفته است بدین معنا که اگر ظن به خلافی در میان باشد، می تواند مانع حجیت شود؛ البته این مانعیت در صورتی هست که این ظن به خلاف توسعه پیدا کند و نوعی گردد.
- در حقیقت پس این معنایش پذیرش تفصیل است؛ البته تفصیل بین جایی که ظن نوعی به خلاف مانع باشد و جایی که چنین نباشد.